

کتاب ملاکی نبی

۱ وحی کلام خداوند درباره اسرائیل به واسطه ملاکی.

خداوند می‌گوید که شما را دوست داشته‌ام. اما شما می‌گویید: چگونه ما را دوست داشته‌ای؟ آیا عیسو برادر یعقوب نبود؟ و خداوند می‌گوید که یعقوب را دوست داشتم،^۳ و از عیسو نفرت نمودم و کوه‌های او را ویران و میراث وی را نصیب شغال‌های بیابان گردانیدم. چونکه^۴ ادوم می‌گوید: منهدم شده‌ایم اما خواهیم برگشت و مخروبه‌ها را بنا خواهیم نمود. یهوه صبایوت چنین می‌فرماید: ایشان بنا خواهند نمود، اما من منهدم خواهم ساخت و ایشان را به سرحد شرارت و به قومی که خداوند بر ایشان تا به ابد غضبناک می‌باشد، مسمی خواهند ساخت.^۵ و چون چشمان شما این را بیند خواهید گفت: خداوند از حدود اسرائیل متعظم باد!

پسر، پدر خود و غلام، آقای خویش را احترام می‌نماید. پس اگر من پدر هستم احترام من کجا است؟ و اگر من آقا هستم هیبت من کجا است؟ یهوه صبایوت به شما تکلم می‌کند. ای کاهنانی که اسم مرا حقیر می‌شمارید و می‌گویید چگونه اسم تو را حقیر شمرده‌ایم؟^۷ نان نجس بر مذبح من می‌گذرانید و می‌گویید چگونه تو را بی‌حرمت نموده‌ایم؟ از اینکه می‌گویید خوان خداوند محقر است.^۸ و چون کور را برای قربانی می‌گذرانید، آیا قبیح نیست؟ و چون لنگ یا بیمار را می‌گذرانید، آیا قبیح نیست؟ آن را به حاکم خود هدیه بگذران و آیا او از تو راضی خواهد شد یا تو را مقبول خواهد داشت؟ قول یهوه صبایوت این است.^۹ و الآن از خدا مسألت نما تا بر ما ترحم نماید. یهوه صبایوت می‌گوید این از دست شما واقع شده است، پس آیا هیچ کدام از شما را مستجاب خواهد فرمود؟

^{۱۰} کاش که یکی از شما می‌بود که درها را ببندد تا آتش بر مذبح من بیجا نیفروزید. یهوه صبایوت می‌گوید: در شما هیچ خوشی ندارم و هیچ هدیه از دست شما قبول نخواهم کرد.^{۱۱} زیرا که از مطلع آفتاب تا مغربش اسم من در میان امت‌ها عظیم خواهد بود؛ و بخور و هدیه طاهر در هر جا به اسم من گذرانیده خواهد شد، زیرا یهوه صبایوت می‌گوید که اسم من در میان امت‌ها

عظیم خواهد بود.^{۱۲} اما شما آن را بی حرمت می سازید چونکه می گوید که خوان خداوند نجس است و ثمره آن یعنی طعامش محقر است.^{۱۳} و یهوه صباوت می فرماید که شما می گوید اینک این چه زحمت است و آن را اهانت می کنید و چون (حیوانات) دریده شده و لنگ و بیمار را آورده، آنها را برای هدیه می گذرانید آیا من آنها را از دست شما قبول خواهم کرد؟ قول خداوند این است.^{۱۴} پس ملعون باد هر که فریب دهد و با آنکه نرینه‌ای در گله خود دارد معیوبی برای خداوند نذر کرده، آن را ذبح نماید. زیرا که یهوه صباوت می گوید: من پادشاه عظیم می باشم و اسم من در میان امت‌ها مهیب خواهد بود.

۲ و الآن ای کاهنان این وصیت برای شما است!^۲ یهوه صباوت می گوید که اگر نشنوید و آن را در دل خود جا ندهید تا اسم مرا تمجید نمایید، من بر شما لعن خواهم فرستاد و بر برکات شما لعن خواهم کرد، بلکه آنها را لعن کرده‌ام چونکه آن را در دل خود جا ندادید.^۳ اینک من زراعت را به سبب شما نهیب خواهم نمود و بر رویهای شما سرگین یعنی سرگین عیدهای شما را خواهم پاشید و شما را با آن خواهند برداشت.^۴ و خواهید دانست که من این وصیت را بر شما فرستاده‌ام تا عهد من با لاوی باشد. قول یهوه صباوت این است.^۵ عهد من با وی عهد حیات و سلامتی می بود و آنها را به سبب ترسی که از من می داشت، به وی دادم و به سبب آنکه از اسم من هراسان می بود.^۶ شریعت حق در دهان او می بود و بی انصافی بر لبهایش یافت نمی شد، بلکه در سلامتی و استقامت با من سلوک می نمود و بسیاری را از گناه برمی گردانید.^۷ زیرا که لبهای کاهن می باید معرفت را حفظ نماید تا شریعت را از دهانش بطلبند چونکه او رسول یهوه صباوت می باشد.^۸ اما یهوه صباوت می گوید که شما از طریق تجاوز نموده، بسیاری را در شریعت لغزش دادید و عهد لاوی را شکستید.^۹ بنابراین من نیز شما را نزد تمامی این قوم خوار و پست خواهم ساخت زیرا که طریق مرا نگاه نداشته و در اجرای شریعت طرفداری نموده‌اید.

^{۱۰} آیا جمیع ما را یک پدر نیست و آیا یک خدا ما را نیافریده است؟ پس چرا عهد پدران خود را بی حرمت نموده، با یکدیگر خیانت می ورزیم؟^{۱۱} یهودا خیانت ورزیده است و رجاسات را

در اسرائیل و اورشلیم بعمل آورده‌اند زیرا که یهودا مقدس *خد/وند* را که او آن را دوست می‌داشت بی‌حرمت نموده، دختر خدای بیگانه را به زنی گرفته است.^{۱۲} پس *خد/وند* هر کس را که چنین عمل نماید، هم خواننده و هم جواب دهنده را از خیمه‌های یعقوب منقطع خواهد ساخت و هر کس را نیز که برای یهوه صبایوت هدیه بگذرانند.^{۱۳} و این را نیز بار دیگر بعمل آورده‌اید که مذبح *خد/وند* را با اشکها و گریه و ناله پوشانیده‌اید و از این جهت هدیه را باز منظور نمی‌دارد و آن را از دست شما مقبول نمی‌فرماید.^{۱۴} اما شما می‌گویید سبب این چیست؟ سبب این است که *خد/وند* در میان تو و زوجه جوانی‌ات شاهد بوده است و تو به وی خیانت ورزیده‌ای، با آنکه او یار تو و زوجه هم عهد تو می‌بود.^{۱۵} و آیا او یکی را نیافرید با آنکه بقیه روح را می‌داشت و از چه سبب یک را (فقط آفرید)؟ از این جهت که ذریت الهی را طلب می‌کرد. پس از روح‌های خود باحذر باشید و زنه‌ار احدی به زوجه جوانی خود خیانت نوزرد.^{۱۶} زیرا یهوه خدای اسرائیل می‌گوید که از طلاق نفرت دارم و نیز از اینکه کسی ظلم را به لباس خود بپوشاند. قول یهوه صبایوت این است پس از روح‌های خود باحذر بوده، زنه‌ار خیانت نوزرد.^{۱۷} شما *خد/وند* را به سخنان خود خسته نموده‌اید و می‌گویید: چگونه او را خسته نموده‌ایم؟ از اینکه گفته‌اید همه بدکاران به نظر *خد/وند* پسندیده می‌باشند و او از ایشان مسرور است یا اینکه خدایی که داوری کند کجا است؟

۳

اینک من رسول خود را خواهم فرستاد و او طریق را پیش روی من مهیا خواهد ساخت؛ و خداوندی که شما طالب او می‌باشید، ناگهان به هیکل خود خواهد آمد، یعنی آن رسول عهدی که شما از او مسرور می‌باشید. هان او می‌آید! قول یهوه صبایوت این است.^۲ اما کیست که روز آمدن او را متحمل تواند شد؟ و کیست که در حین ظهور وی تواند ایستاد؟ زیرا که او مثل آتش قالگر و مانند صابون گازران خواهد بود.^۳ و مثل قالگر و مصفی^۱ کننده نقره خواهد نشست و بنی‌لاوی را طاهر ساخته، ایشان را مانند طلا و نقره مصفی خواهد گردانید تا ایشان هدیه‌ای برای *خد/وند* به عدالت بگذرانند.^۴ آنگاه هدیه یهودا و اورشلیم پسندیده *خد/وند* خواهد شد چنانکه در ایام قدیم و سالهای پیشین می‌بود.^۵ و من برای داوری نزد شما خواهم آمد و به ضد جادوگران و زناکاران و آنانی که قسم دروغ می‌خورند و کسانی که بر مزدور در مزدش و بیوه‌زنان و یتیمان

ظلم می‌نمایند و غریب را از حق خودش دور می‌سازند و از من نمی‌ترسند، بزودی شهادت خواهم داد. قول یهوه صبایوت این است. ^۶ زیرا من که یهوه می‌باشم، تبدیل نمی‌پذیرم و از این سبب شما ای پسران یعقوب هلاک نمی‌شوید.

^۷ شما از ایام پدران خود از فرایض من تجاوز نموده، آنها را نگاه نداشته‌اید. اما یهوه صبایوت می‌گوید: بسوی من بازگشت نمایید و من بسوی شما بازگشت خواهم کرد، اما شما می‌گویید به چه چیز بازگشت نمایم. ^۸ آیا انسان خدا را گول زند؟ اما شما مرا گول زده‌اید و می‌گویید در چه چیز تو را گول زده‌ایم؟ در عشرها و هدایا. ^۹ شما سخت ملعون شده‌اید زیرا که شما یعنی تمامی این امت مرا گول زده‌اید. ^{۱۰} تمامی عشرها را به مخزنهای من بیاورید تا در خانه من خوراک باشد و یهوه صبایوت می‌گوید مرا به اینطور امتحان نمایید که آیا روزنه‌های آسمان را برای شما نخواهم گشاد و چنان برکتی بر شما نخواهم ریخت که گنجایش آن نخواهد بود؟ ^{۱۱} و یهوه صبایوت می‌گوید: خورنده را به جهت شما منع خواهم نمود تا ثمرات زمین شما را ضایع نسازد و مو شما در صحرا بی‌بار نشود. ^{۱۲} و همه امت‌ها شما را خوشحال خواهند خواند زیرا یهوه صبایوت می‌گوید که شما زمین مرغوب خواهید بود.

^{۱۳} خدا/وند می‌گوید: به ضد من سخنان سخت گفته‌اید و می‌گویید به ضد تو چه گفته‌ایم؟ ^{۱۴} گفته‌اید: بی‌فایده است که خدا را عبادت نمایم و چه سود از اینکه اوامر او را نگاه داریم و بحضور یهوه صبایوت با حزن سلوک نمایم؟ ^{۱۵} و حال متکبران را سعادت مند می‌خوانیم و بدکاران نیز فیروز می‌شوند و ایشان خدا را امتحان می‌کنند و (معهدا) ناجی می‌گردند.

^{۱۶} آنگاه ترسندگان خدا/وند با یکدیگر مکالمه کردند و خدا/وند گوش گرفته، ایشان را استماع نمود و کتاب یادگاری به جهت ترسندگان خدا/وند و به جهت آنانی که اسم او را عزیز داشتند مکتوب شد. ^{۱۷} و یهوه صبایوت می‌گوید که ایشان در آن روزی که من تعیین نموده‌ام، ملک خاص من خواهند بود و بر ایشان ترحم خواهم نمود، چنانکه کسی بر پسرش که او را خدمت می‌کند ترحم می‌نماید. ^{۱۸} و شما برگشته، در میان عادلان و شیران و در میان کسانی که خدا را خدمت می‌نمایند و کسانی که او را خدمت نمی‌نمایند، تشخیص خواهید نمود.

۴

زیرا اینک آن روزی که مثل تنور مشتعل می‌باشد، خواهد آمد و جمیع متکبران و جمیع بدکاران گاه خواهند بود. و یهوه صباپوت می‌گوید: آن روز که می‌آید ایشان را چنان خواهد سوزانید که نه ریشه و نه شاخه‌ای برای ایشان باقی خواهد گذاشت. ^۲ اما برای شما که از اسم من می‌ترسید، آفتاب عدالت طلوع خواهد کرد و بر بالهای وی شفا خواهد بود و شما بیرون آمده، مانند گوساله‌های پرواری جست و خیز خواهید کرد. ^۳ و یهوه صباپوت می‌گوید: شیران را پایمال خواهید نمود زیرا در آن روزی که من تعیین نموده‌ام، ایشان زیر کف پایهای شما خاکستر خواهند بود. ^۴ تورات بنده من موسی را که آن را با فرایض و احکام به جهت تمامی اسرائیل در حوریب امر فرمودم بیاد آورید. ^۵ اینک من ایلای نبی را قبل از رسیدن روز عظیم و مهیب خداوند نزد شما خواهم فرستاد. ^۶ و او دل پدران را بسوی پسران و دل پسران را بسوی پدران خواهد برگردانید، مبادا بیایم و زمین را به لعنت بزنم.